

عنوان مقاله:

تحلیل بنیادین هگل از کار در بخش خدایگانی و بندگی پدیدارشناسی و نقد مارکس از آن و برنهادن پراکسیس به مثابه بنیانی جدید در افق فکر هگل

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 14، شماره 30 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

امیرعباس صالحی - دانشجوی دکتری فلسفه محض، دانشگاه تهران

حمید طالب زاده - استاد فلسفه دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

مارکس در دست‌نوشته‌های اقتصادی-فلسفی ۱۸۴۴ صراحتاً دستاورد بزرگ هگل در پدیدارشناسی روح را کشف ذات کار اعلام می‌کند. اما در همان جا بیان می‌کند که فهم هگل از کار یک‌سویه و انتزاعی است و وی فقط جنبه مثبت کار را دریافته است. مدعای ما در این مقاله آن است که مارکس در آثار اولیه خود بنیانی فلسفی مبتنی بر مفهوم کار (پراکسیس) در افق فکر هگل برمی‌نهد و به میانجی آن حل و رفع دیالکتیکی (Aufhebung) فلسفه نظروزرانه هگل را رقم می‌زند. در این راستا، ابتدا فهم بنیادین و متافیزیکی هگل از مفهوم کار را با عطف نظر به بخش «خدایگانی و بندگی» پدیدارشناسی صورت‌بندی می‌کنیم. یعنی نشان خواهیم داد که چگونه کار در هگل مبنایی برای پیوند سوژه و ابژه است. سپس درصدد خواهیم بود تا نشان دهیم مارکس چگونه با اقتضائات منطق دیالکتیکی هگل، یک‌سویه‌گی اندیشه هگل را نقد کرده و پراکسیس را به‌مثابه تنیدگی سوژه و ابژه تالیف می‌کند.

کلمات کلیدی:

خدایگانی و بندگی، کار، بازشناسی، پراکسیس، بیگانگی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1221001>

